

احمدشاه عبادی
و طارق پیکار،

انقلاب اکتوبر و رهایی انسان

انقلاب کبیر اکتوبر (۱۹۱۷م.) و انقلابهای اجتماعی همگون و پی در پی قرن بیستم، که در اصل به اساس نیروهای محرک درونی شان چشم انداز مشترکی داشتند و در بطن نبردهای سیاسی- طبقاتی و تلاطمهای نظامی- اجتماعی، خواستار کشودن گره و مشکل جامعه و بحرانهای دامنگیر آن و تحقق منافع زحمتکشان و بشریت مترقی بودند؛ اما، سرنوشت واحدی نداشتند. برخی، مانند انقلاب کیوبا، به سوی ساختمان سوسیالیسم پیش میروند و برخی نظیر انقلابهای نیکاراگوا و الجزایر، راه رشد سرمایه داری را گزیدند و جوش و خروش شان قبل از همه فرو نشست.

با کاربرد نظریه بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و تعریفی که آن ها از این علم ارائه داده اند، میپندارند که سوسیالیسم علمی از تجربیات عملی حرکت میکند و داده های علمی درباره وابسته گی درونی و قوانین حرکت را تعمیم میدهد، تا از این طریق به درک عمیقتری از تجربیات نایل شود. تجربه مشخص یا عمل (پراتیک) نقطه حرکت و نیز مراد تفکر است. برای این که سوسیالیسم علمی راه دیگری وجود ندارد. پس میتوان به این نتیجه رسید، که این پیامدها به هیچ وجه تصادفی و اجتناب ناپذیر نبوده اند.

پیروزی کارگران و دهقانان روسیه، تحت رهبری بلشویکها، در اکتوبر ۱۹۱۷م.، به مثابه پیشروی، دفاع و تثبیت نخستین انقلاب سوسیالیستی در مقابل نظام استثمار و ستم ملی و جنگهای تجاوزگرانه امپریالیستی (جنگ اول جهانی) به حساب میروند.

دوران پُردرخشش (۱۹۱۷-۱۹۲۳م.) روسیه، دورانیست که تاکنون در هیچ نقطه جهان ما تکرار نشده است؛ این دوران که دربردارنده وقایع انقلابی پیروزمند میباشد، تحت رهبری نیروهایی سوق و اداره گردیده که متعهد به سازماندهی و بسیج کارگران و کشاورزان فقیر برای سرنگونی مناسبات ظالمانه مالکیت سرمایه داری و حتی روابط ماقبل سرمایه داری (زمینداری بزرگ) بودند.

تاریخ گواه روشن این واقعیت هم است، که سوسیالیزم بشریت را از چنگال فاشیزم رها کند.

انقلاب اکتوبر یکی از مهمترین لحظات تاریخ انسانیت برای برابری و تأمین عدالت اجتماعیست. برای اولین بار بود که یک انقلاب کبیر تعهد خود را در امر تأمین عدالت واقعی اجتماعی میان توده های ملیونی اعلام کرد.

نظام و دولتی که با پیروزی این انقلاب تولد یافت، از همان لحظه های نخستین به امر سعادت و خوشبختی انسان همت گماشت؛ کلیه قوانینی را که در بین انسانها تبعیض قایل میشدند، لغو کرد؛ برابری انسانها در تمامی عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را به صورت قانون تصویب کرد. دستاوردهای این تجربه آن قدر عمیق و گسترده است که با وجود آنکه در نیمه راه به شکست انجامید، مهر خود را به جنبش نی تنها در دوره خود، بل که جنبشی که چند دهه پس از آن در غرب شکل گرفت، کوبید. این جنبش در نیمه راه شکست خورد، نی به این خاطر که پیشتر از انقلاب اکتوبر از پاسخگویی به مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی عاجز بودند؛ بل که به خاطر این که مستی از نیمه راهان به امر انقلاب خیانت ورزیدند.

از این تجربه و تلاشهای فداکارانه و خسته گی ناپذیر رهروان آن بسیار میتوان آموخت، به همین خاطر است، که در نشرات نهضت آینده افغانستان به بررسی و تحلیل جوانب مختلف این تجربه تاریخی پرداخته شده است و این مقاله نی بررسی، بل، که گرامیداشتیست از انقلاب اکتوبر؛ نگارنده گان امیدوار اند تا دوستان، رفقا و خردمندان جامعه ما در تحلیل و بررسی این مهم آن طوری که شایسته است پردازند.

www.ayenda.org